

1334

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاحت غرب

یاسر نوشت، پروفسور از مرگ

در عالم روزخ

تالیف: آقا نجفی قوچانی

الهی علی محمد صالح

سرشناسه	:	نجفی قوجانی، محمدحسن، ۱۳۵۶ - ۱۳۳۲
عنوان	:	سیاحت غرب یا سرنوشت ارواح پس از مرگ در عالم برزخ
تکرار نام پدیدآور	:	محمد حسن نجفی قوجانی
مشخصات نشر	:	قم، سمت خدای سبحان، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری	:	۱۲۶ ص
شابک	:	ISBN-978-600-97430-7-0
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیا
یادداشت	:	اثر حاضر در سال های مختلف توسط ناشران مختلف منتشر شده است.
یادداشت	:	عنوان دیگر: سرنوشت ارواح پس از مرگ در عالم برزخ
یادداشت	:	کتابنامه به صورت زیرنویس
موضوع	:	معاد
موضوع	:	زندگی پس از مرگ
رده بندی کنگره	:	۹، ۱۳۹۷ س ۳ ن ۲۲۲/۲۲ BP
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۴۴
شماره مدرک	:	۴۸۶۷۱۳۸



سیاحت غرب

سرنوشت ارواح پس از مرگ در عالم برزخ

مولف: محمد حسن نجفی قوجانی

ناشر: سمت خدای سبحان

چاپ: اول ۱۳۹۷

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

تیراژ: ۵۰۰

چاپخانه: گلها

طراح و صفحه آرا: فدک

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۴۳۰-۷-۰

انتشارات سمت خدای سبحان

فروشگاه اینترنتی: samtekhoda.org

سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۶۷۲۱۱۵۱۵

تلفن تماس: ۰۲۵۳۷۷۴۳۷۰۵

«فهرست مطالب»

۷	مقدمه
۸	سرانجام
۱۰	نکیر و مُنکّر
۱۶	آشنایی با «هادی»
۲۱	بررسی اعمال عمر
۲۲	فشار قبر
۲۴	نوشه سفر
۲۵	بی‌مهری بازماندگان
۲۷	ملاقات امام زادگان و علما
۳۱	جدایی از «هادی»
۳۳	آشنایی با سیاه
۳۷	منزل اول بدون هادی
۴۱	آسایش موقت
۴۳	گوشه‌ای از کیف‌گردار

۴۶	ورود به شهر ولایت
۴۸	در شهر «محبّت»
۵۱	دیدار مجدد با هادی
۵۴	پاداش مُتعه
۵۷	سرزمین شهوت
۶۲	سختی و شکر برستی
۶۳	وادی نسیها و زیباییها
۶۴	شهوت نسی
۶۸	ورود به ارض السلام
۸۵	در سرزمین حرص
۸۶	سرزمین حسد
۹۹	غروزان شدن آتش عشق
۱۱۴	انتقام در برهوت
۱۶۵	ورود به صحرای برهوت

خدمه بفرستاد:

بسم الله الرحمن الرحيم

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ، مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ وَالَّذِيْنَ

درود بی پایان بر پروردگار اسلام و او را باد که پزشکان تن و روان
مردمانند، و از سخنان اوست:

«دوستی دنیا بیماری بزرگ است که همه بیماری‌های دنیا
شاخ و برگ اوست و باد آوری از مریض داری آن بیماری
است.»

اما بعد، این بنده خدا می‌گوید: پیش از این، یعنی در سال یکهزار و
سیصد و هفت شمسی، گزارشات خود را از آغاز آموزگار و طالب انجام
نوشتیم و نام آن نامه را «سیاحت شرق» نهادم، و در این هنگام که سال
یکهزار و سیصد و دوازده شمسی است، گزارشات سرزخی خود
را می‌نویسم و نام این نامه را «سیاحت غرب» می‌نهم، تا یادگاری از من، و
ملت اسلام را پند باشد. پرروشن است که بدن عنصری و مادی

جهان طبیعت، حجابی است ضخیم؛ و پرده‌ای است سخت بر روی دیده انسان از جهان دیگر، و انسان به مردن و بیرون شدن از این جهان مادی و برطرف شدن این پرده، می‌بیند و می‌رسد به چیزهایی که پیش از این نمی‌دید و نمی‌رسید.

وَلَقَدْ كُنْتُ فِي غَلْلَةٍ عَنْ هَذَا، فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ، فَبَصُرَ الْيَوْمَ
مَعْدَنُهَا.

سرانجام مردم

پس از یک دوره بیماری طولانی سرانجام مردم، و دیدم که ایستاده‌ام و بیماری جسمی که داشتم ندارم و تندرستم، و خویشان من در اطراف جنازه‌ای من گریه می‌کنند، و من از گریه آنها اندوهگینم و به آنها می‌گویم: «مردم، بلکه بیماری‌ام رفع شده است، ولی کسی گوش به حرف من نمی‌کند. گویا مرا نمی‌بینند و صدای مرا نمی‌شنوند، دانستم که آنها از من دورند. و من با دیدن آشنایی و دوستی به آن جنازه می‌نگرم، بخودم بشارت می‌دهم و می‌گویم: «چپ آن را که برهنه بود و چشمهای خود را به آنجا دوخته بودم.

بعد از غسل و دیگر کارها جنازه را به طرف قبرستان بردند، من هم جزو مشیعین^۲ رفتم. در میان آنها بعضی از جانوران وحشی و دزدگان

۱- برآستی که نور از این امر غافل بردی، تا اینکه ما پرده را از چو چشم تو کنار زدیم، لذا

۲- تشیع کنندگان.

امروز چشمانت تیز می‌بیند، سوره فی، آیه ۲۲.